

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۳۲  
سه‌شنبه ۱۹ دیماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

## چریکهای فدائی در میان دو گرایش متضاد

چرا فدائیان به همان نسبت که به مواضع سیاسی و تئوریک حزب توده ایران نزدیک تر میشوند. برداشته خشم و هجوم و لجن پراکنی - های خود به آن می افزایند؟  
صفحه ۲

# امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق هاست

همه جا و در هر زمان

تحلیلی از لحظه

مبارزه طبقاتی تشدید میشود. دوران بسیار حساسی را میگذرانیم

## در رویارویی لیبرالهای رفورمیست و دمکراتهای انقلابی، ما از دمکراتهای انقلابی پشتیبانی میکنیم

صفحه ۶

اطلاعیه دبیرخانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

## علیه تجاوز به دفتر «مردم» به شدت اعتراض می کنیم

\* از مقامات مسئول می طلبیم با هشیاری و حس مسئولیت بیشتری در حفظ امنیت و سلامت مراکز سازمانهای سیاسی بکوشند

## وطن فروشی که می گریخت

همه او را دیدند که می گریخت و با پوشش در باد تاب می خورد بستوه آمده، بی لگام، با چمدانهای انباشته ولی با مغز تهی با بازی از خیانت بردوش همه او را دیدند که می گریخت همه او را دیدند...

تشیبیم

## ۱۹۷۹

## سال شکست های تازه امپریالیسم، به سر کردگی امپریالیسم امریکا بود

امام خمینی: «هر آدمی و هر گروهی را باید از رفتارهای فحش که می هاستند» (از سخنان امام در ملاقات با اعضای شورای عالی صدام جمهوری اسلامی ایران)

## آمریکا، هندستان و دست نشاندهانش حکومت جدید افغانستان را محکوم میکنند! چرا؟!

صفحه ۲

دیروز مردم بادستهای فشرده درهم در برابر جاسوسخانه آمریکا می طلبیدند:

## اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم

دیروز نیز میل خروشان خلق در برابر لانه جاسوسی آمریکا ادامه داشت و این امر نشان می دهد که سرمای زمستان هم مانعی برای تظاهر عزم راسخ توده ها نیست

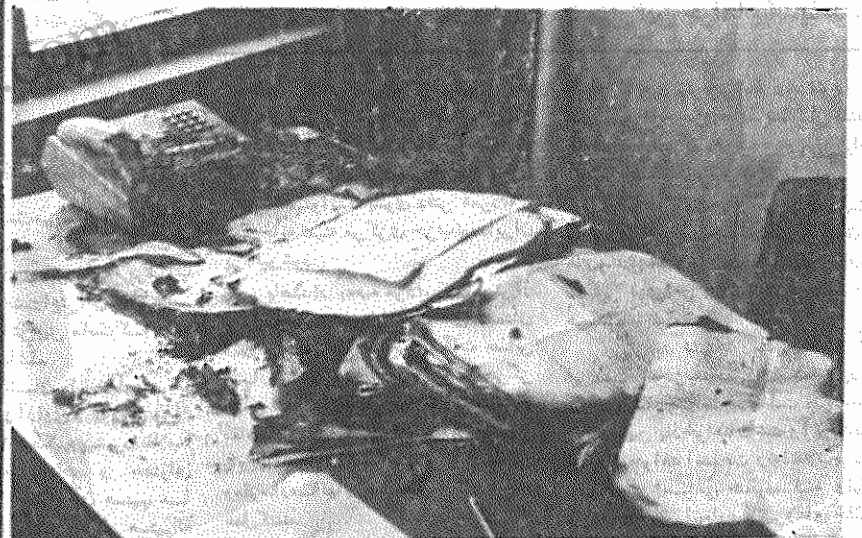
هزاران تن از کارگران، دانشمندان، آموزان و کارمندان دیروز در برابر جاسوسخانه آمریکا اجتماع کردند تا حمایت خود را از ادامه افشاکریهای دانشجویان پیرو خط امام اعلام کنند.

دیروز ابتدا گروه کثیری از کارگران مرکز تکامل صنعتی و سندوق گراآموزی یافت آباد، در حالیکه لباسهای کار خود را بر تن داشتند، در برابر لانه جاسوسی اجتماع کردند. آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن چنین نوشته شده بود: اتحاد و وحدت ضامن پیروزی است.

اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم آنها شعار می دادند: بقیه در صفحه ۲



مردم دشمن اصلی خود را می شناسند، لذا فریاد میزنند: نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا!



اثر ضد انقلاب در حمله به دفتر «مردم»

صفحه ۲

روزنامه تشریح چاپ سوریه:

## توطئه آمریکا در افغانستان خنثی شد

روزنامه تشریح، اردگان نیمه رسمی سوریه، اعلام کرد که کمک نظامی اتحاد شوروی به جمهوری دمکراتیک افغانستان در چارچوب پیمان دوستی و همکاری دو کشور صورت گرفته است. تشریح آمریکا را که تلاش دارد این کمک را «مداخله» در امورد داخلی کشور دیگر وانمود سازد، بباد تمسخر گرفته و نوشته است که توطئه آمریکا خنثی شده است. تشریح نوشت که این امریکاست که تلاش دارد به انقلاب ایران آسیب برساند و علیه تمام جنبش های آزادیبخش دست به تعرض بزند. تشریح یاد آور شد که آمریکا نمی تواند بپذیرد که اراده خلق ها تمام مواضع و توطئه ها از در هم می شکند.

## حزب کمونیست ویتنام

## از دولت بزرگ کارمل و کمک اتحاد شوروی به افغانستان پشتیبانی میکند

روزنامه نهان دان، ارگان حزب کمونیست ویتنام، در روز خود تحت عنوان «ایده آل انقلابی پیروز شده»، نوشت که جمهوری سوسیالیستی ویتنام اقدام برادرانه و جوانمردانه اتحاد شوروی را در مورد کمک به حفظ دستاوردهای انقلاب افغانستان مورد پشتیبانی کامل قرار میدهد. نهان دان نوشت که، این خائن به آرمان آزادی و وحدت امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان پکن بود. ارگان حزب کمونیست ویتنام یاد آور شد که امین، نورمحمدترکی را بقتل رساند، کارهای انقلابی را قتل عام کرد و در مسیر خیانت به دستاوردهای انقلاب بهائی پختی افغانستان گام برمی داشت. اما امروز انقلاب در مسیر درست قرار گرفته است. نهان دان نوشت که خلق قهرمان ویتنام از پیروزی اخیر انقلاب افغانستان خرسند است و کمک اتحاد شوروی در چارچوب پیمان دوستی و همکاری دو کشور صورت می گیرد. لودوآن، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، پیام تبریکی برای بزرگ کارمل ارسال داشت.

## خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است

مردم ایران با این خط، خط جمهوری، به فردی، رای، میدهند که عمقا وفادار به خط امام باشد



# امپریالیسم آمریکا، هندستان و دست نشاندگانش حکومت جدید افغانستان را محکوم میکنند! چرا؟!؟

«کارتر کشورهای هندست آمریکا به اقدام هماهنگ علیه شوروی در افغانستان وادار می کند. دنیال کودتای افغانستان کشورهای مختلف علیه لعل نشان داده اند. علاوه بر وزارت خارجه ایران که در روز نظر خود ابراز داشت، کشور هائی نظیر آمریکا، اتحادیه نظامی ناتو، پاکستان، ایتالیا، ترکیه، چین، کویت، مصر، فرانسه، عربستان سعودی، اتحاد جماهیر شوروی و اردن همگی نظامی که به «بیرک کارل» رهبر جدید افغانستان داده محکوم کرده اند.»

این جمع بندی را روزنامه کیهان (۹دی) از مجوبه فعالیت کشور های دوست امریکای خونخوار، که ناگهان «دوست مردم مسلمان افغانستان» از کار درآمده اند، ارائه کرده است.

## مصر

همراه کارتر و چین، انورالساوات، که امام او را «مصدق فرالارض» میدانند، «نگران» حال مسلمانان افغانستان می شود: «دولت مصر اعلام کرد نمی تواند در برابر يك دولت ضداسلامی در افغانستان ساکت بنشیند. دولت مصر مداخله سلطانه شوروی در افغانستان را محکوم کرده و اعلام داشته است که از مسلمانان مبارز افغانستان حمایت می کند. (اطلاعات ۸ دی)

این دفاع چنانچه سادات از مسلمانان مبارز افغانستان درست در همان حالی اعلام می شود که انورالساوات از امریکای خونخوار می خواهد علیه مسلمانان مبارز ایران لشکر کشی کند و می فرماید: «دولت مصر حاضر است هرگونه کمکی که از آن ساخته است برای دخالت نظامی آمریکا در ایران در جهت پایان بخشیدن به وضع ۵۰ گروگان امریکائی و خلاصی از انقلاب اسلامی ایران انجام دهد.»

انورالساوات در همان حال که به اصطلاح کودتا علیه مسلمانان افغانستان، قلب «سپریاتش» را جریحه دار کرده، از امریکا می خواهد به حیات دولت اسلامی ایران پایان دهد. ایشان ضمن تاکید بر

اینکه دولت امریکا باید از طرف کشور های دنیا جهت محاصره اقتصادی ایران حمایت شود، می فرماید: «در صورت وقوع این امر دولت ایران نخواهد توانست پشیمان خود ادامه دهد. با توجه به میزان واردات ایران و کشورهای مستقر در سواحل خلیج فارس آنان هیچ راهی جز تقاضا از ایالات متحده برای تجمیع خود از گرسنگی نخواهند داشت.» (کیهان - ۹ دی)

انورالساوات مدافع مسلمانان افغانستان از امریکا می خواهد همان پلانی را بر سر مسلمانان ایران بیارد که بر ویتنام آورد:

محضور نظامی امریکا در ایران جریان ویتنام را دنبال خواهد داشت و ایالات متحده ناراحتیهای ناشی از ویتنام را سببی کرده است و باید با محصور نظامی خود در ایران يك حالت تهاجمی نشان دهد. (همانجا)

## ناتو

بعد از رژیم سادات، دوستان دیگر امریکا به میدان می آیند. سخنگوی ناتو، این پیمان نظامی تجاوزکارانه امریالیست، اعلام می کند: «این اقدام شوروی پشت نمایانگر مداخله آشکار در امور داخلی افغانستان است و مایه نگرانی شدید این جامعه بین المللی است.» (آزادگان - ۹ دی)

## یونان

نظر بعدی را یونان کارامانیس می دهد: «یونان مداخله در کشورهای جهان سوم را نقض استقلال و تمامیت کشورها میدانند و معتقد است صلح و امنیت بین المللی را در معرض خطر قرار میدهد.» (همانجا)

## ژاپن

نظر بعدی را امپریالیسم ژاپن، شریک غارت امریکا در ایران و دیگر کشورها

اولین مدافع محاصره اقتصادی ایران ابراز میدارد: «وزارت خارجه ژاپن با انتشار اعلامیه ای گفت استقرار سربازان شوروی در افغانستان با عدالت بین المللی مغایر است.» (همانجا)

## کویت

نظر بعدی متعلق به کویت، دست راست امریکا در منطقه و همان کشوری است که پدمستور ارباب حتی حاضر نشد امام را بعد از خروج از عراق بپذیرد: «يك سخنگوی وزارت خارجه کویت امروز اعلام داشت این کشور مداخله نظامی شوروی را در افغانستان محکوم می کند.» (همانجا)

## عربستان

نظر بعدی بحکومت ارتجاعی عربستان، که نقی نوکر امریکا را در منطقه بازی می کند، تعلق دارد: «دولت عربستان سعودی ضمن صدور اعلامیه ای مداخله نظامی شوروی در افغانستان را محکوم کرد. مطبوعات عربستان سعودی نیز حمله شوروی به افغانستان را به منزله تجاوز به جهان اسلام خوانده اند.» (اطلاعات، ۹ دی)

این همان جهان اسلامی است که دربار دست نشانده عربستان علیه بزرگترین پشیمان، یعنی ایران، با دشمن خون خوارش امریکا پیمان بسته است. و این همان جهان اسلامی است که عربستان بهترین یار بزرگترین دشمن آن یعنی اسرائیل است:

«عربستان هر زمان نیاز بوده، رژیمهای افراطی منطقه را در قبال اسرائیل به رژیمهای محتاط با اتخاذ سیاست های معتدل تبدیل کرده است.» (آزادگان - ۱۰ دی)

## انگلستان

امپریالیسم انگلستان هم که شانه به شانه امریکا ایران را غارت کرده و میکند

و علیه انقلاب ایران از هیچ توطئه ای فروگذار نسکرده و نمی کند، «مدافعان مردم مسلمان افغانستان» درآمده است: «مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان با ارسال نامه ای به تئودید پرنف «دیگرانی عقیق» خود را از زرد سربازان شوروی به افغانستان ابراز داشت. سخنگوی دفتر نخست وزیر انگلستان اظهار داشت تاچر در این نامه نوشته است از اعلامیه شوروی مبنی بر اینکه اقدام این کشور به دعوت دولت افغانستان بوده، «کاملاً کج» شده است.

نخست وزیر انگلستان افزود دولت او معتقد است که خود مردم افغانستان این حق را دارند که خود دولتشان را انتخاب کنند.» (آزادگان - ۱۰ دی)

حالا چرا مردم ایرلند کنار گوش انگلستان و مردم آفریقای جنوبی و رومانی این حق را ندارند و اگر یاد این حق بیایند توسط سربازان انگلیسی به سیام چالهای قرون وسطائی می افتند و دست چینی کتار میشوند، ساله ای است که خانم تاچر و سرمایه داران انگلیسی باید به آن جواب بدهند.

## آلمان غربی

امپریالیسم آلمان غربی هم به نوبه خود وارد گود میشود: «دولت آلمان غربی، به شدت مداخله شوروی را در کودتای افغانستان محکوم کرد و آنرا يك مساله بیابردی خواند که مسائل اساسی درباره روابط بین المللی را به مطرح می کند.» (آزادگان - ۸ دی)

ماهیت امپریالیسم آلمان غربی هم که روشن است، آخرین چشمه آن دفاع بی چون و چرا از امریکا در سلسله اشغال لانه جاسوسی و بلوکه کردن ذخایر ایران در کربوب است.

## پاکستان

پاکستان هم که امام از افسران ملت

که علیه انقلاب توطئه می چینند و آب با سیاب امپریالیسم میریزند، صرف نظر از نام و لباس و بهانه مخافیم، تنها از دست چنین کسانی است که طری های آتش زده می تواند بسوی دفتر «مردم» و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بر تآب شود.

با هشدار به همه مردم، که بیش از پیش مواظب نقشه ها و توطئه های دشمنان انقلاب باشند و در این لحظات حساس هشدار انقلابی خود را حفظ کنند و هرگز دشمن اصلی را از نظر دور نندارند، ما از مقامات مسئول و مسئولین که به سهل انگاری ها پایان دهند و در حفظ امنیت مراکز سیاسی و مقر سازمان های مختلف به وظایف خود عمل کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابطی در زمینه آزادی فاضلیت احزاب و سازمان ها و انجمن ها و غیره قید شده که اینک قدرت قانونی تام و تمام دارد. وظیفه ارگانهای مسئول و منجمله کمیته ها است که این ضوابط را اجرا کنند و احترام به قانون اساسی را پاسداری نمایند. بر این ارگانهاست که با جدیت مسئولین

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ دی ماه ۱۳۵۸

«زیستارستان رئیس جمهوری فرانسه ساعتی تلفنی با کارتر در این مورد (افغانستان) مشغول تبادل نظر بوده است.» (همانجا)

و بالاخره امپریالیستهای «شور دوست» که یکجا به توطئه ورمیسه علیه انقلاب اسلامی ایران، مشغول توطئه و تهاجم علیه چشم خود را بر تجاوز هر روز اسرائیل به مسلمانان فلسطینی و لبنانی و سوری و... بسته اند، به طرح واحدی برای دفاع از مسلمانان افغانستان دست می یابند. احله امپریالیست ها و دست نشانده گان رنگارنگشان آغاز میشود.

## آمریکا

اول از همه امریکا، این «شیطان بزرگ (امام خمینی) و دشمن همه مستضعفین جهان (امام) و حامی مستکبران (شمار تقاضات میلیونی مردم ایران) و مسبب اصلی غارت ایران و به شهادت رسیدن ۷۰ هزار مسلمان (امام) به میدان می آید. «حفظ نگاه این مرد پرورنده افغانستان در کودتای که بیرک کارل را به قدرت رساند مسأله شد.» (آزادگان - ۹ دی)

گوینده این سخنان، که حفیظ اله امین، معروف به «مارکسیست» را «مرد پرورنده» می خواند، توماس رستون سخنگوی وزارت خارجه امریکا است!

کارتر هم از اقدام حفیظ اله امین و سقوط دولت او ناراحت شده است: «واقعه جدی دیگری که سبب نگرانی فزاینده ای در مورد صلح و ثبات در همان منطقه از جهان شده است، دخالت نظامی اخیر شوروی در افغانستان است که اکنون منجر به سقوط حکومت روسی و اقدام رئیس جمهور آن کشور شده است.» (کیهان - ۸ دی)

یعنی شیطان بزرگ نه فقط حامی مسلمانان افغانستان است، بلکه ناگهان «وادار» رئیس جمهور مارکسیست افغانستان هم شده است!

## چین

چین، بنا بر وظیفه، بلافاصله به کمک امپریالیست ها می آید و دست به شدیدترین حمله می زند تا آنجا که حتی روی کشورهای امپریالیستی را هم سفید میکند: «طواغوت جاری حاکم در افغانستان ناشی از مداخله اتحاد شوروی است. تنها اوج گرفتن مداخله شوروی در افغانستان تبدیل شوروی سلطانه به يك آتش افروزی است، که در آن مسکو انگلستان خود را از دست خواهد داد.» (جمهوری اسلامی، ۱۰ دی)

## اطلاعه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران: علیه تجاوز به دفتر «مردم» شدیداً اعتراض می کنیم

ساعت ۲ بعد از نیمه شب دوشنبه ۱۰ دی ماه، سه وسیله آتش زاپوسی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران و محل دبیرخانه حزب خیابان ۱۶ آذر شماره ۸۸، بمباران شد. يك بطری دارای مواد مخدر و یکدیگر روی بالکن مشتعل شد و سیم های تلفن را سوزانید و سومی پنجره اطالی را شکست و روی میز کار افتاد و اسناد و کاغذها و یک دستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به در و دیوار و سایر وسایل زیانهای وارد نمود.

در این واقعه ما دست جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف درآمده اند و با نامهای گوناگونی علیه نیروهای یکپه زدن امپریالیست عمل میکنند. بنا به سابقه موجود، همدستی و همزبانی برخی از گروههای مائوئیستی، که آبروی نداشته خود را به یاد می بینند و از گسترش روزی افزون نفوذ حزب توده ایران در میان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های امپریالیست راستین انقلابی سخت نگران شده و دچار خشم عاجز و دیوانه کننده ای گردیده اند، در چنین حوادث جنایتکارانه ای غیر محتمل یا عجیب نیست.

ماعلیه اینگونه تشبیهات عناصر ضد انقلابی - چون هر که باشند با هر اسم و بهانه ای به این عمل قاشقی دست زده باشند، چیزی نیستند جز عناصر ضد انقلابی در خدمت امپریالیسم به شدت اعتراض می کنیم. لازم به تذکر نیست، که ما با این گونه اعمال تجاوزکارانه، انجمنی سیاست اصولی خود دست بر نخواهیم داشت و دام تیرک نخواهیم افتاد.

ضد انقلاب - عمال امپریالیسم امریکا و بقایای دادورسته پهلوی و همه دشمنان کف پر لب آورده حزب طبقه کارگر ایران - که

## اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱

دانشجوی خط امام، افشاکن، پشیمانی از خط امام و عمل انقلابی افشاکن عناصر وابسته را رسوا کن، مجازات جاسوسان افشای سازشکاران مورد تأیید ماست. در پایان، یکی از کارگران قلمنامه راهپیمایی را قرائت کرد که بی آن ضمن حمایت از مواضع ضد امپریالیستی امام خمینی و مخالفت با هرگونه سازشکاری، خواستار ادامه افشاکری دانشجویان بیرو خط امام، محاکمه جاسوسان امریکائی و افتاء کلیه قراردادهای نظامی سیاسی و فرهنگی با امریکا بودند.

هنوز کارگران از جلوی لانه جاسوسی نرفته بودند که گروهی از دانش آموزان و کارکنان مدرسه راهپیمایی اندیشه ایوانکی در برابر جاسوسخانه گرد آمدند. آنها یلاکاری همراه داشتند که بر آن نوشته شده بود: «ما دانش آموزان ۳ کارکنان مدرسه راهپیمایی اندیشه ایوانکی پشیمانی خود را از دانشجویان بیرو خط خود جدا می کنیم. به رسم انقلاب است، نه لیت

قلمنامه را خواند که در آن ضمن پشتیبانی از خط امام و عمل انقلابی دانشجویان، از شورای انقلاب خواسته شده بود که برنامه ای جهت قطع هرگونه وابستگی به امریکا تهیه کند. همچنین در این قلمنامه ضمن پشتیبانی از استاد رضا اسفغانی از دولت خواسته شد که وسائل کافی کشت در اختیار زارمین قرار دهد.

سیس گروهی از کارگران پارس توشیا (رشت) در حالیکه شمار می دادند: «تحریم اقتصادی دیگر ارگانها ملت اگر بخواند، هر روز روزی در این موقع جمعیت دوبروی سفارت با شمار: «برادر هوطنم، خوش آمدی، خوش آمدی»

کردند. بر روی یکی از پلاکاردهای آنها چنین نوشته شده بود: «از ادامه افشاکری های دانشجو جوانان مسلمان بیرو خط امام پشتیبانی می کنیم.»

بعد از آنها کارکنان بانک مرکزی ایران و بانک شهریار به حلقی جاسوسخانه آمدند.

«ما خواستار مجازات مسئولینی که بعد از انقلاب اسلامی در ارتقا از ادامه افشاکری های دانشجو جوانان مسلمان بیرو خط امام پشتیبانی می کنیم.»

آنها شمار می دادند: «دانشجوی افشاکری، دانشجوی افشاکن، افشاکن تمام سازشکاران را رسوا کن، خمینی می روزه، سازشکار می روزه»

آنها در قلمنامه خود ضمن اعلام مخالفت با اقدامات امپریالیست ها، خواستار مجازات جاسوسخانه امریکا آمدند و

## راهپیمایی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی در تبریز

در طول راهپیمایی چند بار هواداران حزب جمهوری خلق سلمان به صفوف راهپیمایان حمله بردند، همین عده در باغ شمال، محل تجمع راهپیمایان، بطرف تریبون هجوم آوردند و ولی مردم حمله آنان را دفع کردند.

در پایان راهپیمایی حجت الاسلام موسوی، رئیس دادگاه انقلاب تبریز، طی سخنانی مردم را به هوشیاری دعوت کرد و از آنها خواست که در خط امام بر علیه امریکا مبارزه را ادامه دهند. وی گفت: «خواستار ضد انقلاب این نیست که شاه برگردد، بلکه می خواهد انقلاب را از محتوای خود خالی کند.»

در پایان مراسم قلمنامه راهپیمایی صادر شد. در این قلمنامه راهپیمایان ادامه افشاکری دانشجویان بیرو خط امام و مجازات عوامل امپریالیسم را خواستار شده بودند و نیز عمل انقلابی رضا اسفغانی، که محو فئودالیسم را وجه همت خود قرار داده است، مورد پشتیبانی کامل قرار گرفته بود.

در این راهپیمایی خانواده پاسداری که در اسارت حزب جمهوری خلق مسلمان بسر می بردند و نیز دانشجویان دموکرات دانشگاه تبریز و شورای اسلامی کارکنان دانشگاه تبریز شرکت داشتند.

اطلاعات ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸





# جریک‌های فدائی، در میان دو گرایش متضاد

منتشر شد:

مارکس، انگلس، لنین  
دورنگی خصوصی

گردآورنده و مترجم

میرم فیروز

(چاپ دوم)

از انتشارات

حزب توده ایران

رفقای خوبی!  
هواداران و دوستداران  
حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در هر دوامه ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله تریبون شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مسرّم انقلابی است.

نام نویسی در  
حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح روز ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران واقع در خیابان آذر شلیغ غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرها نیز، دفاتر حزب توده ایران برای نام‌نویسی آماده است.

نمایشگاه بیاد  
دکتر تقی ارانی  
رهبر زحمتکشان  
ایران

۱۴ بهمن، سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی بیاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و زندان و شهادت ارانی دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

خوانندگان گرامی  
میتوانند در خارج از کشور  
به آدرس‌های زیر با  
مردم مکاتبه کنند

پاریس  
Rizal Albert  
BP 75180  
75001 Paris  
France

ایتالیا  
Shams  
Via G. Vincon, 44  
Ostia (Roma)  
Tel. 6814922 (TUDEH)

انگلیس  
P.O. Box 141  
London. E 70 PE

چرا فدائیان به همان نسبت که به مواضع سیاسی و تئوریک حزب توده ایران نزدیکتر میشوند، برداشته خشم و هجوم ولجن‌پراکنی‌های خود به آن می‌افزایند؟

آیا این حمایت و همکاری و مساعدت‌ها تنها ظاهری و تشریفاتی است یا پاسخ پرستوئی است به یک ضرورت قاطع؟ آیا پشاهانک انقلاب جهانی، که در بسیاری از کارگرگری و کمونیستی منسک است، با یک حزب اپورتونیست و سازشکار، میتواند رحن داد که مناسبات کامل مودت‌آمیز و برادرانه انترناسیونالیستی داشته باشد؟ واگر این احزاب واقعا احزاب طراز نوین‌اند، چگونه ممکن است در روابط انترناسیونالیستی خود، خوابت و میامی‌های کمونیستی را در نظر بگیرند و سرسری و بی‌قاعدہ رفتار کنند؟ اینجاست که جریک‌های فدائی با پذیرش این تهدید که رعایت و توجه به سمت‌گیری و رویه احزاب کارگری و کمونیستی، به پایداری و پایداری نیروهای مترقی جهان، ضرور است، و نیز با تأکید بر این اصل بنیادی که «انترناسیونالیسم پرولتری واقعا وجود دارد، خود را در برابر یک تنش و تقابل قرار می‌دهد، یا باید سیاست انترناسیونالیستی این احزاب و کشورهای را در محاسبت آن موردتک قرار دهد، که در آن صورت حکم‌قلمی خود را باطل کرده‌اند، و یا باید این سیاست انترناسیونالیستی را، که اقیانوس بودن انترناسیونالیسم پرولتری در گرد آن است، تأیید کنند، که در آن صورت تأیید حزب توده ایران از سوی این احزاب و کشورهای جزئی از سیاست عمومی انترناسیونالیستی آنهاست و نمی‌تواند مورد شبه و انگیزه واقع شود.

اگر روابط برادرانه حزب با توده‌های احزاب کارگری و کمونیستی و جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلابی و جنبش‌های آنان خنده‌بردار بود، آنگاه جایی برای سفسطه و گریز منطقی و بی‌انه‌جویی باقی می‌ماند، اما کیست که نداند و چه انترناسیونالیستی حزب ما، خصلت غالب آن و تأیید و پشتیبانی اصولی و ظاهرآمین احزاب کارگری و کمونیستی و جنبش‌های مترقی از این عضوان توده جهانی خود در تکامل و رواجی کم‌تقلیب است. به این ترتیب آیا این برائتی به حساب است و ایده‌آل‌های حزب توده ایران، که در وادی پرولتری، همه احزاب کارگری و کمونیستی را در پیوسته دارد، تسوین به حساب اصول انترناسیونالیستی نیست که فدائیان در گفتار و رفتار آنها بر این تکیه است؟ نوعی تهمت اصطلاح‌گاری و دلگداری به این احزاب در پیوندهای اصولی‌شان نیست؟

انترناسیونالیسم تین به بردار نیست. اگر جریک‌های فدائی در عمل، بی آنکه خود آنگاه باشند، بخشی از این انترناسیونالیسم را منقطع می‌کنند، در واقع هنوز بقایای ناسیونالیسم خرم‌پرورانه‌ای است که در وجود آنها مقاومت میکند و برای تری خود به انواع تشبیهات دست می‌ازد و بر انجام پرورده تاگزیر خودتقیس‌گویی منطقی.

فدائیان آن سراجت و شجاعت کمونیستی که در دفاع از حقیقت، از هیچ ایفاداری روی گردان نیست، سستی آن خرم‌پرورانه، که جریک‌های فدائی را در مقابل و مساعدت با حزب توده ایران، حتی به اختراع انواع دروغ‌های سبک و تکرار تحریفات دشمن ساخته و بی‌درنما می‌کنند، خود به بهترین وجه دلیل وجود پستوئی فریورولتری و اسلوب خرم‌پرورانه‌ای در اندیشه و عمل فدائیان است. به جز این، آیا عدول جریک‌های فدائی از اصول و تقویرهای ذهنی گذشته و جذب عناصر مهمی از درگ و برداشت حزب توده ایران در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک ایران و جهان نزدیک‌تر نیست؟ آن، آیا نباید به تقویت مبانی نظام بین‌مار آنها و آب شدن یخ‌هایی که مناسبات طبیعی و ضروری بین ما را منجمد و مختل ساخته است، بینجامد؟

این گفتار چیه نگویید. در آن صورت دروغ‌های سبک و حباب‌مانندی را که از فیل ابدال، بی‌خاصیت شده‌اند، از انبان چرکین مائونیست‌ها، تروتسکیست‌ها و سایر دشمنان خونی طبقه کارگر، به‌دیده‌های خود گرفت که فی‌الثل، حزب توده از انقلاب شاه که به دستور مستقیم امپریالیسم آمریکا پاچا در آمد، حمایت می‌کند و سیاست «حزب توده موافق سرنگونی سلطنت بوده» و یا «حزب توده هنگامیکه شهرهای ایران در آتش تپان مسموخت، قهر انقلابی توده‌های زنده ایران را به‌گرمی او با شاد سادگی نسبت می‌دهد.» (کار، شماره ۳۸، مقاله «حزب توده، حزب فریب توده...»)

تکرار مطلبی و اداین جملات تکیه‌زده و نظایر بسیار آن چه هدفی را دنبال میکند؟ آیا جریک‌های فدائی با تسوین این جملات و برجسته کردن

جزئیات و فرعیات کلاما حاشیه‌ای و بی‌موقع، می‌خواهند تغییر مضمون خود را در جهت اصولی که حزب توده ایران مروج و مدافع آن است، مستور نگه‌دارند؟ آیا می‌خواهند از ضرورت توضیح و تشریح دلایل تغییر دیدگاه‌های خود و علل ریشه‌ای موضوعی‌های جدید، غافل‌گانه خالی کنند؟ آیا می‌خواهند انتقاد آزاد و روشنی را که اینده هر پلان بر آن مبنی است، مسکوت بگذارند؟ آیا اینده عکس‌العمل جناح‌های افراطی نظیر گروه انترناسیونالیست‌ها، با طر فدادان فدائی زین خاشخویان مهوت و خط چهارم، گسایش خود را به سوی مواضعی که به‌خطوط تحلیل حزب توده ایران یا شسته نزدیک است، به‌ماداش و تکیه جملی به آن، موجه و رایگان خود قابل افشاح جلوه دهند؟ آیا تری و گسایش از «انقلاب‌گرایان دوآتشه» آتش‌د مغز است که مسوومگیری اصولی و سراجت فدائیان را تحت الشعاع قرار میدهد و آنها را به محافضه‌کاری و بی‌اصطلاح سیاست‌بازی میکشند، این چه برهانی است که هر حرکت خود را به سوی اسالت مارکسیسم، با حرکت دیگری بنمایند و روح آموزش آن‌ها خسته‌دار و آسیب دیده میکند؟

جریک‌های فدائی این تکلیف را در برابر خود قرار می‌دهند که:

دست‌گیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و دست‌گیری جنبش‌های ده‌ها جنبش و جنبش‌های سایر جنبش‌های تحت سلطه جهان باید مورد توجه قرار گیرد.

و چه‌بدرهائی را که نگارش و حرکت آنها با نقطه نظرهای این نیروهای مترقی جهانی مناقبات داده، این علامت‌سؤال قرار می‌دهند و می‌گویند:

«این دفتا... طبیعتا مؤلفه از همه نه‌هست. های رهائی بخش خلیقا و تسام بلوک‌بندی‌های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری... منحصرا اتفاق‌کننده» (کار، شماره ۳۸، نظری بر منضمه آرانی جهانی...)

فدائیان آنگاه برای چنین «دفتائی» پیش‌پیش‌میکشند که «در سطح جهانی نیز به‌همان از روی کشیده میشوند که در سطح جنبش بلوک تاریخی-طبقاتی خلق به آن مبتلا هستند.»

توجه! که جریک‌های فدائی بر دیگران عیب می‌گیرند، خود به‌خود می‌گیرند، در رابطه با حزب توده ایران، به نسیان می‌سپارند، معلوم نیست چرا توجه به موضع و روابط حزب کمونیستی و کارگری، در یک مورد ضرور است و عدم رعایت آن به از روی جهانی منجر میشود، اما ندیده گرفتار ناید و جان‌بندی این احزاب و کشورهای سوسیالیستی از حزب توده ایران، نه تنها لازم است، بلکه اقدام در جهت مخالفت این تأیید و پشتیبانی فریضه‌های سیاسی است!

ام دونه و منبشی، که جریک‌های فدائی درسی و هشتمین شماره نشریه «کار» برواشته بودند، درسی و هشتمین شماره این نشریه به‌نحو دیگری ادامه یافت. در شماره ۳۷، جریک‌های فدائی، علیرغم منبشی گذشته خود، روی عمده‌ترین جنبه انقلاب ما، یعنی جنبه ضدامپریالیستی آن تأکید و برزیدند و بر این شالوده طبقه کارگر ایران و نیروهای سیاسی هواداران آنرا به‌بسیاری جناح حاکم خرده‌بورژوازی در نبرد سرنوشته‌ساز با امپریالیسم آمریکا و بورژوازی ایران شراخواندند. جریک‌های فدائی از دیدگاه جدید خود از خرده بورژوازی به‌نوان همعهد طبیعی طبقه کارگر نام برزدند و بدروستی یاد آور شدند که بدون دادن یادیه‌های به‌این متحد طبقاتی، «توان جنبش ضد امپریالیستی پراکنده میشود و از این امر جز نمایندگان سونگون بورژوازی سود نمبرند.»

آمین و جانبدار، فدای عیق، قاجله است. این فاسله را کشورهای سوسیالیستی با تسوین سیاست و منشی خود پر نکرده‌اند، بلکه جریک‌های فدائی با تسوین نظر در پیش واقعات خود کوشیده‌اند از میان بردارند.

کته جالب توجه در جریک‌های فدائی اینست که، آنها به‌همان نسبت که در بازسازی‌های های خود به مواضع حزب توده ایران نزدیکتر میشوند، برداشته خشم و هجوم افرا ولجن‌پراکنی به‌همان میزان می‌افزایند!

سؤال مسووم در اینجا اینست که جریک‌های فدائی در این تناقض چه چیزی را پنهان میکنند؟

وقت آنست که به‌این سؤال، فارغ از هر گونه پیشداوری و تسبی، با شجاعت و سراجتی که برترین فضیلت مارکسیست است، پاسخ داده شود.

شما درستان فدائی، مواضع و تعلیقات‌ها ما و خودتان را در گذشته و حال و در طی این سه ماه که از انقلاب می‌گذرد، یکبار دیگر مرور کنید. ما چه می‌گفتیم و اکنون چه می‌گوییم؟ آنچه شما امروز در باره آنچه جنبه جهانی سوسیالیسم و اصل انترناسیونالیسم پرولتری می‌گویند، مگر تسوین رنگه پرده‌های انزبان واقفیت فلز آسا نیست که از آغاز تولد حزب توده‌ای ما، در مسووم گفتار و کردار آن بوده‌است؟ آنچه شما امروز در باره عمده‌ترین وجه انقلاب ایران، یعنی وجه ضد امپریالیستی آن می‌گویند، آنچه در باره ظرفیت ضد امپریالیستی خود بورژوازی حاکم می‌گویید، تا کیست که بر ضرورت حمایت فعال از رهبری انقلاب در کارزار ضد امپریالیستی وستین با بورژوازی لینال می‌کنید، مگر نستین بار از طرف حزب توده ایران مطرح نشده‌بوده انکار و تمساحی شاق را درنگر فت؟

سهاوز روی همان مواضع هشتم و این شایند که برای تطبیق خود با واقعات و زیر فشار خرم‌کننده حقایق یاد و گدیان ناشنی، سوی نقطه نظر‌های ما گام برداشته‌اید. پس چگونه است که در روزها و با نظر مواضع و بقایه‌مان که انحرافی‌اش می‌باید نشنی، ملامت و تمسح می‌گیرید و امروز باز به طر همان عقاید و مواضع که خودتان تا حد قابل توجه در آن شریک شده‌اید، با لجاج و کینه‌ای که طبیعت دشمنان مشترک ما و اسلوب آنهاست، همچنان به‌ماداش می‌کنید؟ آیا در این تناقض، که بین مواضع جدید شما و سیاست تسوینی خصمانه‌تان نیست به‌حزب توده ایران وجود دارد، فرود جریسواد دشمنی از خود حمایت می‌کنید یا خصلتی فریورولتری، ضدتوتسک‌نظری خود را در پنهان میدارید؟

شما که خود را مارکسیست می‌خوانید، پس با سبب و به‌شوه مارکسیستی پیش‌پیش‌مید، در آن صورت درخواست می‌یافت که سمت پایگاه‌های انترناسیونالیستی و تعلیقات سیاسی و جنبه گریزهای حزب توده ایران در سخته سیاست داخلی، تصادفی نبوده و نیست. سلامت و استقامت این نظر‌گراها، هرچون آید تسوولتی علمی و انقلابی زرفیونی است که ذخیره‌ای از سقیل - یا فقه‌ترین تجربیات انقلابی مهن ما و جهان را در دستش و پیش‌سرخ خود دارد. نتیوان در آن طبقه جهانی که این ایدئولوژی علمی و انقلابی منطبق به‌اوست، ریشه فداخت و در عین حال هم در کنار این نیروی جهانی پرورده با سبب و اسلوب آن، حوادث پر نیر استجد و در کارزارهای در پیچ آن‌گم نشد.

شما که خود را مارکسیست می‌خوانید و از قول لنین تصریح می‌کنید که «کمونیست‌ها هرگز به‌رود ددوغ نمی‌گویند»، منی‌کنید خودتان این آموزش لینی را بکار بندید و در کنار دار برضد

شماره ۳۸ «کار» این حرکت رو به تمالی و تسبیح‌کننده دارد عرسه دیگری تمیم داد. در مقاله‌ای با عنوان «نظری بر سفا آرانی دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلیقا ایران و جهان»، بارقه‌ای از یک احساس انترناسیونالیستی در تأیید پروگام سوسیالیستی به‌نایه مفر پرولتاریای انقلابی جهان سوسوزد. جریک‌های فدائی در این مقاله، ضمن تشریح موضع حمایت‌آمیز کوبا، ویتنام، اندونیشوری، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و دیگر نیروهای مترقی خواه و ضد امپریالیست جهان، از مبارزات مردم ایران تصریح کرده‌اند:

«جنبش نوین کمونیستی ایران که بسیار نرخواست، دست‌گیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و دست‌گیری جنبش‌های رهائی بخش و ضد امپریالیستی سایر خلیقا تحت سلطه جهان را باید مورد توجه قرار دهد و با تکیه بر روزه‌های عینی درون جامعه و درک صحیح از مبارزه طبقاتی از جامعه ما، برای مبارزه طبقه کارگر ایران، برای مبارزه میلیون‌ها مردمن که در سبب مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک به‌تلاش درواشان تازه‌ای دست زیداند، پیش از یافته‌های ذهنی خود اهمیت بسیار آورش قابل شود.

بدون توجه به پیوند مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلیقا ایران با جنبه جهانی یکبار علیه امپریالیسم آمریکا، بدون درک اینکه انترناسیونالیسم پرولتری واقعا وجود دارد و مبارزه ضد امپریالیستی طبقه زحمتکشان ایران از پشتیبانی پرولتاریای سراسر جهان بر خود دار است، قادر نخواهیم بود در مائوسگیری سیاسی، منی دستنی اتفاق‌کنیم.»

اگر در نظر بگیریم که آنچه در تسالم مبارزات کمونیسم، مقدمه و سخته است، خصلت انترناسیونالیستی آنست، این برداشت ناطور داد و آزار جریک‌های فدائی بمنزله یک مبداء و نقطه عطف مهم باید تلقی کرد و به‌این طریقه درود فرستاد. این تلاشی است در ده‌های اخیر افشا و مسووم تئوری نزدیک بیگ ناسیونال کمونیستی (کمونیسم ملی) که سالها بر دیگرین قلابه را بیای به‌منی از جنبش جیب ایران زده بود. اگر این تلاشی که هنوز در دو تمام است، به‌شم برسد، جریک‌های فدائی در سبب منی سازه، جنبش‌های تیره و مانعی اساسی را از پیش چشم خود بر خواهند داشت. اما حرکتی که آغاز شده است همین‌جا نیز حائل اختیار چشمگیری است. کفلی است به نقطه نظر‌های جریک‌های فدائی در باره کشورهای سوسیالیستی و احزاب کارگری و کمونیستی تا همین جنبه‌های نظری بیندازیم تا به عقی تسوولی که در ذهن و بر داشت آنها روی داده است، زائق شویم. فدائیان چهارماد قیل، در ارگان رسمی خود «کار»، با چنین باوری شوروی و کشورهای سوسیالیستی را از زبانی می‌گرداند:

«در روز و بیست‌هفت اینک در شاد هیزوسی مناسبت آمین لنین، به‌نای انقلاب، به‌تعلیق گذار مناسبت آمین و سازش طبقاتی برداشته‌اند. سیاستی که در روز و بیست‌هفتاد پیش گرفته‌اند، در جهت شکستی و سازش طبقاتی و جلس‌دریشت امپریالیستی در زمین است.»

(تاریخ و فرهنگ در روز و بیست‌هفتاد در جنبش کمونیستی، شماره ۲۷ و ۲۹ کار)

بندوبی است زبانی که امروز در پر نودوب - کنند و مقاومت نابینس و اقیبت عینی اعتراف می‌کنند که «انترناسیونالیسم پرولتری واقعا وجود دارد و طبقه‌های این انترناسیونالیسم در سبب مبارزات سیاسی سوسیالیستی نشان میدهد، در آن دهائی منی جریس که کشورهای سوسیالیستی را «مبارک امپریالیست‌ها» و «دشمنان انقلاب» و «سازشگران طبقاتی» می‌خواند. بین آن ادعای احساساتی و منی‌کننده و این موضع‌گیری تأیید

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

# ۱۹۷۹

## سال شکستهای تازه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا بود

### امپریالیسم آمریکا، همه جا و در هر زمان دشمن اصلی خلق هاست

امپریالیسم آمریکامه جادشمن خلق است از جمله در خود آمریکا. آمار رسمی در خود آمریکا نشان میدهد که در این قاره کنگره جهان، سی میلیون انسان زیر نصاب حداقل زیست میکنند، یعنی چهار فقر سیاهند. امپریالیسم نظام اقتصادی، اجتماعی، معینی است که در آن انحصارات غول پیکر امپریالیستی، سلسله چینی خود را گسترده اند و دولت آنها برای تحصیل و تامین منافع غارتگرانه آنها، در هر کشور و هر گوشه ای از جهان که بتواند سطره تاراجگرانه خود را برقرار میکند. استثمار، استثمار تاداج منابع نیروی و تولید دیگران، غارت حاصل میشود. استثمار، استثمار تاداج امپریالیسم آمریکا، که مردمساز امپریالیسم جهانی است، نمیتواند در یک جا ظالم و در جای دیگر عادل، در جایی اسارتگر و در جایی دیگر آزادبخش، در جایی حامی مستکبرین و در جایی دیگر حامی مستضعفین، در جایی غارتگر و در جای دیگر دست دلی پلک داشته باشد. امپریالیسم آمریکامه جا - هر جا که بتواند - روز هر زمان ظالم، اسارتگر حامی مستکبرین و غارتگر است. هر دلار امریکایی تپسوری است از اشک و خون محرومان و زحمتکشان.

بنابراین باید اتحاد شوروی و اکثری «امپریالیستی» معرفی کرد. زیرا امپریالیسم خود ابرو - بساختن است. تبلیغات وسیع امپریالیستی، که اتحاد شوروی را هم سنخ و در ردیف ایالات متحده آمریکا قرار میدهد، از اینجا ناشی است.

امپریالیسم آمریکادشمن همه خلقهاست. آنچه را که این شیطان بزرگ بر سر خلق ما آورده، همه این توطئه ها می که هم اکنون برای فرسودن و مالا شکست انقلاب ما می بیند و اجرا می کند، جزئی است از استراتژی جهانخواهانه امپریالیسم آمریکا.

امپریالیسم آمریکادشمن نا پذیر تمام انقلابها و تمام جنبشهای رها بخش در سطح جهانی است. بنابراین اگر جنبش - حرکتی، سازمانی، حزبی مورد تأیید یا حمایت امپریالیسم آمریکا قرار گیرد، آن جنبش، حرکت، سازمان یا حزب در معرض نفوذ آمریکا قرار گرفته و در مسیر آمریکا عمل میکند، یکی از مالا های تشخیص اصلت خلقی و انقلابی هر جنبش، حرکت، سازمان یا حزب مخالفت امپریالیسم با آن، خصومت آمریکا با آن است.

باید بهوش بود و در دامهای تبلیغات امپریالیسم آمریکانفتاد این دامها، رنگارنگ و متنوعند. افتادن در این دامها، کمک ناخود آگاهی است به امپریالیسم، تضعیف ناخود آگاه نیروهای ضد امپریالیستی و رها بخش است. امپریالیسم آمریکا دشمن همه خلقها، دشمن استقلال، آزادی، رشد و ترقی آنهاست.

لحظه ای نباید فراموش کرد که امپریالیسم آمریکا، دشمن حمله گر و غارتگر تمام خلقها، بسودن استثناء است.

بود، پیروزی سترگ میهن پرستان نیکاراکوه در پی ترکیب ماهرانه مبارزه مسلحانه با شیوه های کاری سبب توده مردم، و پیش از همه، اتحاد وسیع همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد دیکتاتوری حاصل شد. ساندیویست ها پادام سیاست «سوموزالیسم بدون سوموزا» نیافتادند و تاسرنگونی کامل در رژیم جیره خوار ایالات متحده ازیانناستادند.

انقلاب نیکاراکوه ضربه ای سهمگین بود بر پیکار امپریالیسم آمریکا بویژه در امریکای لاتین. جنبش همبستگی جهانی، بویژه در کشورهای امریکای لاتین و کارائیب، امریکارا از داخله نظامی از طریق سازمان کشورهای امریکایی، بر خیزد داشت. دولت انقلابی نیکاراکوه پس از درهم شکستن دستگاه اختناق، انحلال «کادر ملی» و مصادره اموال خاندان سوموزا، به یک سلسله اقدامات پیکر ضد امپریالیستی و خلقی، در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله اصلاحات ارضی، ملی کردن صنایع کلیدی، بانکها و بازرگانی خارجی، پایه گذاری ارتش توده ای و مبارزه با بیسوادی دست زد. تشکیل سازمانهای گوناگون توده ای و وحدت عمل آنها سترگ محکمی است در برابر ضد انقلاب و پشتیبانان امریکایی آن.

### صلح، خلع سلاح و همکاری بین المللی

در حالی که گذشت مبارزه در راه صلح، خلع سلاح و همکاری بین المللی، بنشابه بخشی از پیکار عمومی ضد امپریالیستی، همواره گسترش یافت. آزادی، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی می رزمنه، نشان داد که امپریالیسم برای تشدید سرکوب و استثمار زحمتکشان، از جنگ افرورزی نیز با نومی و رزید و پدیدان روند تنش زدائی جهانی را مختل می سازد. امپریالیسم برای نگهداشت مواضع و پیشبرد منافع خود سابقه تسلیحات راهبردی تحمیل میکند، در حالیکه یک محاسبه ساده اقتصادی نشان میدهد که خلع سلاح عمومی چه چشم اندازهای رهنمی را برای حل مسائل مبرمی چون قحطی، بیسوادی، بیکاری و غیره می کشاید. سیاست ماجراجویانه، برتری جوانه و تجاوز کازانه رهبری ماژویستی چین در هم پیمانی با امپریالیسم و ارتجاع علیه نیروها و جنبشهای مترقی خطری است بویژه برای صلح و پیشرفت اجتماعی.

در سال گذشته کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد جماهیر شوروی، اقدامات و ابتکارات خود را برای تعیین سابقه تسلیحاتی و تمهید تنش زدائی بین المللی ادامه دادند.

دولت شوروی تصمیم خود را برای بازخوان یک جانبه بخشی از نیروها و تسلیحات خود از اروپای مرکزی اعلام داشت. اتحاد جماهیر شوروی از زبان رفیق برژنف یاد آور شد که چنانچه نتواند استقرار موشکهای میان در اروپای غربی خود را کند، اینگونه تسلیحات را در مناطق باختری شوروی تاش خواهد داد. ولی کشورهای «نساتو»، علیرغم برخی اختلافات و زیر فشار کمپکسی نظامی صنعتی، به این پیشنهاد مهم وقتی نگذاشتند.

در سال ۱۹۷۹ مذاکرات «سالت-۲» با مضای قرارداد بین شوروی و آمریکا پایان یافت. بدینسان در نتیجه سیاست پیکر صلح طلبانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که همواره از پشتیبانی همه سلسله پرستان جهان برخوردار بوده است، کامی بزرگ در راه زرفش روند تنش زدائی سیاسی و نظامی، تثبیت تمایل نیروهای استراتژیک و تحدید سابقه تسلیحاتی برداشته شد. با آنکه نیروهای میل تارینس و ارتجاعی در ایالات متحده همچنان به کارزار کارشکنانه خود از جمله در رابطه با سیاست تجاوزکارانه کاتر در مقابل ایران علیه «سالت-۲» ادامه میدهند، امید میرود که تسویب این قرارداد آزومی سنای آمریکا به پیشرفت مذاکرات وین، و درباره کاشتن متقابل نیروهای نظامی و تسلیحات در اروپای مرکزی و دیگر کنتکوها در سلسله خلع سلاح کمک کند.

روند واحد انقلاب جهانی در سال گذشته نیز راه پر پیچ و خم و پرفراز و نشیبی را پیمود. نیروهای تاریخ امپریالیسم جهانی، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع از هیچگونه دسیسه کاری برای بازگردان این روند باز نایستادند. اما، بیاری سه نیروی عمده انقلابی و ضد امپریالیستی زمان ما - کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری و جنبش رها سازی بخش ملی - جهانیان پیش از پیش، نه تنها شیطان بزرگ و اعوان او را باز شناخته اند، و توطنه های آنان را با شکست مواجه می سازند، بلکه دوستان راستین خویش را نیز بتجویی تشخیص میدهند و راه خود را بسوی صلح و دموکراسی و ترقی می کشانند.

دستاوردهای انقلاب آردیل و دفاع از میهن و استقلال ملی و حق حاکمیت ملی، افغانستان را از وظایف مقدس مردم، حزب و دولت افغانستان اعلام کرد. انقلابیون افغانستان و پشتیبانان راستین آنها در جهان توانایی دارند که، علیرغم تبلیغات خصومت آمیز و عوامفریبانه امپریالیسم و ارتجاع داخلی، راه نوید بخش انقلاب را ادامه دهند.

تحول رویدادها در خاور میانه نشان میدهد که تنها وحدت ضد امپریالیستی جنبشهای آزادی بخش و گسترش همجایبه مناسبات دوستی و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی، پیش از همه اتحاد جماهیر شوروی، شامن پیروزی آنها بر امپریالیسم و ارتجاع و وثیقه های مطمئن برای حفظ صلح جهانی است.

هندوچین در فوریه سال ۱۹۷۹ تحرکات پیاپی رهبران ارتجاعی چین علیه ویتنام به تجاوز نظامی این کشور علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، انجامید. مردم ویتنام که همواره از پشتیبانی و همبستگی نیروهای مترقی و دموکراتیک جهان برخوردار بوده اند، در برابر این تجاوز ایستادگی قهرمانانه نشان دادند و بتیوت رساندند که در دفاع از آزادی، استقلال ملی، حاکمیت، تمامیت ارضی و ساختن جامعه ای نو تا آخرین قطره خون مبارزه خواهند کرد. ماژویست های چین، که به خیال خود میخواستند بتیوت تمام سوسیالیستی «درس بدهند»، نه تنها درجه جنگ متضادانه شکست خوردند، بلکه با دلخیزی نشان دادند که دیگر ماسک انقلابی نمایی را بپوشانند. برداشته اند و همجسا آفتکارا بیاری ارتجاع و امپریالیسم می شتابند.

اکنون نیز محافل حاکمه مرتجع چین به سیاست هم پیمانی خود با امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا علیه ویتنام - حاکمه - آفرین ادامه میدهند و بهرمانه از «درس دوم» سخن میگویند.

### کشورهای جنوب آفریقا

سال گذشته، جهانیان شاهد اوج گیری بی همای مبارزه مردم آفریقای جنوبی - نامیبیا و زیمبابوه بودند. بازمانهای آزادی بخش این کشورها - «کنگره ملی آفریقا - آفریقای جنوبی»، «سوپو - نامیبیا» و «جهه میهن پرستان - زیمبابوه»، توانستند پیکار مردم این کشورها را علیه رژیمهای استثمارگر و نژادپرست، سلسله امپریالیسم و ناورهای نواستعماری و در راه آزادی ملی و اجتماعی بسج دهند. مبارزه مسلحانه این سازمانها به آزاد کردن مناطق وسیع و دفع نقشه های دسیسه آمیز امپریالیسم و رژیمهای جیره خوار برای تحمیل «راه حل» های نواستعماری انجامید. این پیروزیها تنها در بر تو همبستگی نیروهای ضد امپریالیست و مترقی جهان و کمک های بی شائبه مادی، معنوی و سیاسی کشورهای مترقی آفریقا و جامعه کشورهای سوسیالیستی میسر بوده است. امپریالیستها در حالیکه مجبور شده اند از «راه حل» مسالمت آمیز، سخن بگویند، در عمل به سیاست تجاوز - کارانه و نواستعماری خود ادامه میدهند. برای نمونه، آنها از طریق انحصارات چندملیتی همکاری اقتصادی، نظامی و فنی خود با رژیمهای نژادپرست گسترش میدهند. آزمایش بمب اتمی در آفریقای جنوبی نشان داد که کشورهای امپریالیستی و «ناتو» برای تحقق نقشه خودمینی بر ایجاد یک باامسلاخ «کمربند امنیتی» برای «ناتو»، از راه بنیاد گذاری پیمان تجاوزکار دیگری بنام «ساتو» (سازمان آتلانتیک جنوبی) حتی حاضر نشده که جهان را در بروله جنگ اتمی بکشانند. همکاری ماژویست های چین با امپریالیستها در این نقطه دنیا نیز ماهیت سیاست عمیقاً ارتجاعی آنها را بر ملا می سازد.

نیکاراکوه در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ مردم نیکاراکوه، پس از نبردی دلورانه و جاننازی هزاران شهید و برهبری جبهه ساندیویست ها، خاندان جنایت پیشه سوموزا را، که بیش از ۴۰ سال خون مردم این کشور را می مکید، سرنگون کردند. دوران حکومت این دیکتاتور سربرده آمریکا همواره با غارت منابع ملی از سوی انحصارگران، فقر تصور ناپذیر، بیکاری مزمن، بیسوادی گسترده و نقض ابتدائی ترین حقوق بشر همراه

سالها که گذشت و رویدادهای بظاهر ناهمگون آن، ادامه منطقی روند واحد انقلاب واحد جهانی است، که سه نیروی عمده آن کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رها سازی بخش ملی است. در زیر، به مهم ترین این رویدادها نگاه می گذاریم:

### ایران

سال ۱۹۷۹ سال پر رخدادی برای کشور مردم ما بود، شاید بتوان گفت که اخبار ایران و تحلیلهای و تفسیرهای پیرامون مسائل میهن ما، در تمام سال، در سراسر مطالب رسانه های گروهی جهان قرار داشت. مردم ما بهر بی قاطع امام خمینی، پس از بیکاری زلزله آما و جاننازی ای حاکم انگیز، در فوریه ۱۹۷۹، رژیم وابسته را ستبدادی محدود رضا پهلوی را درهم کوبیدند و بدینسان یکی از خون آشام ترین رژیم های جهان را سرنگون کردند. انقلاب ایران یکی از پایگاه های بزرگ امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، را لرزه در آورد. رژیم خائن پهلوی در دوران سیادت خود به سرورده کمند ما، نه تنها نماندند، سها ترین اختناق پلیسی جهان بود، بلکه، پیش از همه، فرمانروای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا را بر کشور ما مسلط ساخت. در زمان رژیم سابق هم پیوندی اقتصاد کشور با سرمایه های امپریالیستی سرچشمه شد، سیاست نظامی گری و تسلیحاتی عنان گسیخته به اعلی درجه شدت خود رسید، درآمد نفت بطور عمده برای سیاست نظامی گری و تامین چپاولی بی بند و بار امپریالیسم و جیره خواران آن مصرف گردید و ایران بصورت یکی از سترگ های مقدم جبهه عمومی جنگ و تجاوز امپریالیستی علیه اتحاد جماهیر شوروی و جنبشهای آزادی بخش ملی درآمد.

بدینسان شکست نیست که انقلاب ایران، امپریالیسم هاردا سخت خمکین کرد. امپریالیسم به توجیه همه قوای خود، برای مقابله با انقلاب ما، بر داخت. در کشور ما همه کوه شیوه های دسیسه کارانه، نفاق افکنی میان قشرا و ملیت های گوناگون، تخریب، برادر کشی و ترور دست زد و در مسکنه بین المللی کوشید تا بیاری ای پیمانان خود و استفاده از امکانات وسیع سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی خویش انقلاب ما را با شکست روبرو سازد.

### خاور میانه

شاید بتوان گفت که در سال ۱۹۷۹، خاور میانه، به ملت موقیت اقتصادی - استراتژیک آن، از همه جسا بیشتر عرصه مسامحه ای تجاوزکارانه و دسیسه های روز افزون امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا بود. آمریکا همبستان به سیاست «کمیدرید» ادامه داد. هدفهای عمده این سیاست عبارتست از: (۱) جدا کردن مصر از جبهه متحده اعراب و تضعیف جبهه شرقی کشورهای عرب، (۲) اتحاد و همکاری روز افزون میان رژیم سادات و اسرائیل با همکاری مستقیم آمریکا برای سرکوبی جنبشهای آزادی بخش ملی، بویژه «سازمان آزادی بخش فلسطین»، (۳) استفاده از رژیم سادات بتیوتان زاندارم تازه غرب در خاور میانه.

مساربان جنوب لیسان از سوی صهیونیستهای اسرائیلی و به تشویق آمریکا، دسیسه ایست برای نابودی نهضت مقاومت خلق قهرمان فلسطین، ولی برغم محافل ارتجاعی و امپریالیستی، حل عادلانه و همه جانبه «مسئله خاور میانه»، بدون آزادی کامل مناطق اشغالی رشتناسایی حق خلق فلسطین در تعیین سربوشت خود و تشکیل حکومتی مستقل و ملی، زیر رهبری «سازمان آزادی بخش فلسطین»، ممکن نیست.

در هفته های اخیر امپریالیسم آمریکا، بویژه در رابطه با روند انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی کشور ما، مانورهای نظامی خود را در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند گسترش بخشیده است. سردمداران آمریکا تصمیم گرفته اند که با تشکیل «نیروی ضربتی» از باامسلاخ «منافع اقتصادی و استراتژیک غرب» در منطقه دفاع کنند. آنها با راه گستاخانه نیسات تهدید آمیز خود را به بی نشانال مناطق نفت خیز اعلام داشته اند.

خلق افغانستان در سال ۱۹۷۹، راه انقلاب ملی و دموکراتیک آردیل ۱۹۷۸ را، که نظام فئودالی و وابسته به امپریالیسم جهانی را در این کشور سرنگون کرد، ادامه داد. مردم افغانستان با وجود تحرکات بیاری امپریالیسم، چین و ارتجاع داخلی به دستاوردهای بزرگی در همه زمینه های زندگی اجتماعی نایل شدند. بدینسان چنانکه تحولات و افشاگریهای روزهای اخیر نشان داد، ضد انقلاب حتی نتوانست بود در رهبری «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» نیز نفوذ کند.



# تحلیلی از لحظه...



کاریکاتور روزنامه «اوتزرها»  
ارگان حزب کمونیست آلمان،  
بعلافت همبستگی با مردم انقلابی  
ایران

کارتز آمریکائی کاوبوی مناشه بسوی ایران  
راه افتاده است. هفت تیر او نیز تصویری  
از اشیمت صدراعظم آلمان غربی است:  
همبستگی امپریالیستها علیه انقلاب ایران

میان قشرهای متوسط جامعه برخاسته اند. برآب و برآب  
بهرتاز لیرالیسم بورژوازی و حرکت «کام به کام» زرفورمیستی  
خواهد توانست پاسنگوی نیازمندیهای رشد ماباشد، و  
آنها در «خط امام» منعکس است. مابین شخصیات «خط  
امام» راه برآساس گفته های خودایشان، طی یک جزوه  
جدداگانه فراهم آورده ایم. علت پشتیبانی سیمانه ما از امام  
همین «خط» است.

«دانشجویان مسلمان پیروخط امام» در توضیحات روز  
چهارشنبه، ۵ دیماه ۱۳۵۸، خود در مورد افشاگریهای مربوط  
به نهضت آزادی ایران تصریح کردند که آنها از یک  
«انحراف» نسبت به «خط امام» سخن میگویند، نه پیش. این  
انحراف، همانست که ما تفاوت مابین لیرالیسم زرفورمیستی  
و دیمکراسی انقلابی نامیدیم. لذا «نه غریب» درباره  
آنکه: «آه بما تبت جاسوسی میزند! بما که آنقدر تمیز  
و مبین پرست و باحسن نیت هستیم» زائد است. مطلب  
جدیدی از اینهاست.

سرنوشت این نبرد بکجا میرسد؟ مابینداریم که به  
بیروزی دیمکراسی انقلابی، به بیروزی خط امام بیانجامد.  
باین هدف باید کمک رساند. این وظیفه تنها حزب توده  
ایران نیست. این وظیفه همه هواداران راستین انقلاب، از  
جمله مجاهدین خلق، چریکهای فدائین خلق و دیگر گروههایی  
که دارای صداقت انقلابی هستند، نیز هست. باید توانست  
در جزئیات غرق نشد و تمام منظره را دید. بگفته لنین: «در  
تمامی درخت غرق نشد و جنگل را دید»  
لحظات بسیار بسیار حساس است: ضدانقلاب، که  
باقام قوایه بیروزی لیرالیا امید بسته است، در کشور ما  
ایداً ضعیف نیست. اوزخمدار است، ولی دارای قدرت عمل  
است. اگر اشتباه کنیم، یادیر کنیم، یا انزوی را در جای  
لازم مصرف نکنیم، دچار سرخورگیها و نداشتنهای گزیده  
خواهیم شد. این سخنان «صمیمیت پدران» نیست، یادآوری  
برادرانه و اجرایی وظیفه همزیمی است. لایغر.

فنی و هنری به پیش تازد، تابه بند برسد. ایران به رژیم  
سرمه چینی، به رژیم انضباط، به رژیم شوروشوق خلقی (یعنی  
به سرمایه گذاری انسانی) دروسبترین مقیاس و به کار  
عرق ریز و میکش، احتیاج دارد. تا وظیفه ای را که از آغاز قرن  
حاضر شروع کرده و بدلیل عدیده سیرگرفته است، طی  
چنددهه آینده انجام دهد. مطلب باین اندازه جدی مهم است.  
وظیفه ای که انقلاب مطرح کرده، حیاتی است و  
شوخی بردار نیست. سرنوشتی و دوران سازاست!

آیامای مجبوریم همیشه چاکر و گاو شیرده و زائده  
امپریالیستیا باشیم؟ و آیا با اقدامات نیم بند، با رژیم های  
پارلمانی «مغرب»، با ادامه راه سرمایه داری، که مشکل  
«ورداد و رمال» در کشور ما وجود دارد و آنهم با هزاران  
رشته به انحصارهای نفت و اسلحه وصل است، با ادامه یک  
سرمایه داری «خدمت»، که همبرگرفروشی و صد هاشمیهای  
رنکارک بانک و «صافکاری» و جلوبندی، اتومبیل های  
شخصی و بازارهای انباشته از بنجل ساخت همه شرکاست  
سودجوی جهان، نمودار بیماری آنست، ما خواهیم توانست  
به سطوح فوقانی تمدن بفریب مامور برسیم؟ حتی شاه مخلوع  
برای عوام غریبی میگفت که شکاف کشور ما با کشورهای  
پیشرفته دسیم بیشتر و بیشتر میشود، منتی میخواست بدون  
آنکه دست به ترقیب امتیازات سنتی سلطنتی او رخنه اش  
بخورد، ایران را بسوی «تمدن بزرگ» برده و جالب است  
که آقای پازرگان در نطق تالار دانشگاه تبریز برای شاه  
مخلوع در این زمینه چنین نیتی؟ هم قائل شده است.  
ایران به تمدن واقعی تنها از راه کسب استقلال سیاسی  
و اقتصادی، تنها از راه ایجاد یک نظام ملی و دیمکراتیک در  
اقتصاد و فرهنگ میتواند دست یابد.

یاری، صحبت ایدا برسر ذهنیات نیست و مراعات و  
مدارای دائمی امام نسبت به کسانی مانند مهندس پازرگان  
و دکتر سبحانی از آنست که وی نمیتواند در «حسن-  
نیت» این افراد تردید کند. ولی مسئله از اینها بالاتر است.  
نظر ما، در این جریان «که بر یک چیره میشود»  
لیرالیسم بورژوازی یا دیمکراسی انقلابی (یا به بیان امام،  
حاکمیت مستکبرین یا حاکمیت مستضعفین) باید نتیجه نهایی  
از جهت سیاسی (چگونگی حاکمیت) و از جهت اقتصادی  
(راه رشد) روشن شود. تاروشن نشود، نمیتوان ایران  
واقفاً نورا ساخت. تا روشن نشود انقلاب در خطر اسفحال  
یا کژراهی است.

البته در میان رجال وابسته به بورژوازی لیرال، برخی  
عناصر که عامل امپریالیسم، باشند، پیدا میشوند، ولی  
بورژوازی لیرال راه، مانند بورژوازی بزرگ وابسته،  
نیتوان در دست از جهت عمل کرد. سیاسی اش عامل امپریالیسم  
دانست. در این بورژوازی عناصر ملت گرانی ضد امپریالیستی  
و آزادیخواهی در چارچوب محدودی وجود دارد. ولی آیا  
این روش نیم بند کافی است؟ نه، ایدا! زندگی نشان داد  
که نیم بندی این جریان، امکان بندوبست های مضری را  
میتواند بوجود آورد. انقلاب باید از این نیم بندی حفظ شود  
و باین اصول واقفاً انقلابی باشد.

دزنیابط کنونی، «دیمکراسی انقلابی» (تکرار میکنیم):  
یعنی روش سیاسی و اقتصادی گروههای پیشرویی که از

قدرت، مایهت را دید، عمدتاً غیر عمدتاً راهبام مخلوط نکرد.  
نبرد لیرالیسم بورژوازی و دیمکراسی انقلابی پس  
از سرنگونی شاه خاتم. مراحل دشواری، را گذراند. ایدا  
شاهپور بختیار (با احتمال قوی برآساس تقسیم کاری که  
بین یاران شده بود) کوشید تا در داخل همان چارچوب رژیم  
گذشته، قضیه را حل کند، یعنی اگر هم شاه را کنار  
میگذارند، با حفظ بنیاد سلطنت، یعنی مطلب راهب شکلی  
که در آسپایا پیش آمده، فیصله دهد. ولی مبارزه مردم و  
قاطعیت امام این نقش را بیم زد.

سوسی دولت موقت مهندس پازرگان (یعنی آن بخش  
از بورژوازی لیرال که در جنبش مذهبی شرکت داشت)  
سرکار آمد، امام آرزو مند بود که بتواند باین جناح  
توحدت کلمه را حفظ کند و برنامه نوسازی جامعه، بر پایه  
استقلال و دیمکراسی خلقی، را بدست این جناح اجرا کند.  
ولی عملاً این کار خود را دشمنی نشان نداد. عملاتی دولت  
پازرگان به جناح راست خود بیشتر بود.

در جریان یک نبرد سخت، بتدریج عده ای از رجال  
بورژوازی لیرال، باین دلیل یا بدلیل دیگر، از صحنه  
خارج شدند، مانند سنجایی و متین دختری و نریزه و مقدم  
مراغه ای و عباس امیرانظام و غیره.  
بورژوازی لیرال در این نبرد، با استفاده از «واژه  
شیرین آزادی»، با ترساندن مردم از «فلا نترسیم آخوندی»،  
با بهره گیری از آن روشهای قرون وسطایی که خود رفتاری  
روحانیهای آقایان در کتیه ها پیراه می انداختند، با همکاری  
با گروههای چپ، با استفاده از اشتباهات برخی از نیروهای  
چپگرا، با استفاده عوام فریبانه از مسئله ملی (که خود از  
نیوون باحل آن مخالفند) توانست محیط دشواری برای  
انقلاب پدید آورد و کماکان پدید می آرد.

دولت موقت، که صرف نظر از افراد جداگانه آن،  
نیانگر این مشی بورژوازی لیرال بود، مشی که به سیاست  
«کام به کام» معروف شده است، نخواست و نتوانست چوایکوی  
نیازهای جامعه انقلابی ایران باشد. ملاقات نخست وزیر و  
وزیر خارجه باین رژیم، بدون اطلاع امام در زمانی که  
امپریالیسم امریکا شاه مخلوع را برای تقویت توپک خود  
علیه انقلاب ایران به آمریکا آورد، کار را بدینجا کشاند  
که بایستی به «درونگویی» در قدرت خاتمه داد. دولت  
پازرگان سقوط کرد و مبارزه وارد مرحله جدیدی شد.

بحث برسر ذهنیات و حیصیات افراد نیست. بحث  
برسر عینیات و واقعیات است. واقعیت آنست که ایران ۳۶  
میلیون نفری و یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربعی-  
این کشور عظیم، قدیم و نئی، غم خود را جزم کرده است  
که به کشوری مستقل، آزاد، مرفه و مترقی بدل شود. از  
چراه؟ آیا از راه شرکت در تقسیم کارگران کرانه امپریالیستی،  
حفظ نظام سرمایه داری انگل صفت، مصرفی و بیجا بچاپ،  
داخلی، خواهد توانست این وظیفه بفریب تاریخ را، که  
در خورد آنست، به انجام رساند؟ نه! هزار باره! ایران  
باید تسلط امپریالیسم را ریشه کن سازد، سرمایه داری وابسته  
و زمینداری بزرگ را از بین ببرد، نظام اقتصادی خلقی  
عادلانه ای را بسود اکثریت مطلق مردم شهر و ده برقرار  
سازد و چهار سبه در جاده ترقی صنعتی، کشاورزی، علمی،

درباره لیرالیسم بورژوازی (روش سیاسی  
قشری از بورژوازی، که همراه انقلاب آمده است)  
و دیمکراسی انقلابی (روش سیاسی گروههای ضد  
امپریالیستی برخاسته از میان قشرهای متوسط جامعه  
است) در گذشته سخن گفته ایم. برخی ها که جامعه-  
شناسی علمی مارکسیستی راه گزیده نگرفته اند  
و از آن تنها مسوغاتی پراکنده دارند و یا بطور  
جامع و بی گریه آرا، بررسی نموده اند و از آن تنها  
صورتات مخدوشی در ذهن دارند، هرگاه بحتی از  
طبقات موضوع گیری سیاسی آنها بیامی می آید،  
بنوعی برآشتنگی و حتی سرمایه گمی دچار میشوند  
و با خشمی آمیخته با ترس میگویند: «اینها حرفهای  
مارکسیست هاست». این طرز برخورد چه چیزی را  
حل میکند؟ هیچ چیز را. حرف هرکس باشد، باید  
دید محتوی واقعی مطلب چیست؟ نمیتوان جامعه-  
شناسی علمی مارکسیستی را نادیده گرفت. احدی  
حق ندارد یک بحث علمی بانظر بعضی بتنگرد.

اتفاقا برخورد طبقاتی به جامعه و سر د آوردن از  
موسمگیری اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هر طبقه، بهترین  
قطب نما برای درک کلاف درهم پیچیده حوادث اجتماعی است.  
قطب نما دیگری نیست.

انقلاب ما، مانند همه انقلابها، یک انقلاب طبقاتی بود  
و باید با تحلیل طبقاتی آنرا فهمید و سنجید.  
انقلاب در مرحله اول خود (مرحله براندازی نظام  
سلطنتی) حساب خود را با بخش مهمی از زمینداران بزرگ  
و سرمایه داران وابسته، که برآساس آنها دربار پهلوی قرار  
داشت، صغیه کرد و آنها را از ریکه قدرت بزیر کشید.

بخشی از بورژوازی که با انقلاب همراهی کرد و مابدان  
به سبب آزادیخواهی نام بورژوازی لیرال می بینیم، در همین  
مرحله اول براندازی، با برچیدن کامل ساط سلطنت  
مخالف بود. احزاب و گروههای وابسته به بورژوازی لیرال  
یا آزادیخواه، مانند حزب رادیکال آقای مقدم مراغه ای،  
چپه دیمکراتیک ملی آقای متین دختری، جمعیت حقوق  
بشر، چپه ملی، حزب ایران، نهضت آزادی ایران، حزب  
جمهوری خلق مسلمان، که همگی با انقلاب در مرحله اول  
آن در مجموع همراهی کردند، در همان ایام ترجیح میدادند  
سلطنت پماند رژیم پارلمانی طرفدار غرب با حفظ اقتصاد  
سرمایه داری در ایران سر کار بیاید. آنها با ظن خود،  
یعنی در چارچوب منافع طبقاتی خود، یار انقلاب بودند و مایل  
بودند آنرا در مسیری که مطلوب آنهاست سیر دهند.  
تنها در نتیجه سرسختی خرد سندان امام خمینی و  
حمایت توده ها از مشی از پیشینیان برخی سازمانهای انقلابی  
(و از جمله حزب توده ایران) توپک حفظ سلطنت سرنگرفت  
و جمهوری اسلامی در کشور برقرار گردید.

بلافاصله پس از انقلاب، مبارزه مشی امام، که همان  
مشی دیمکراسی انقلابی است، با مشی بورژوازی لیرال آغاز  
شد. مشی امام، یا دیمکراسی انقلابی، آن مشی است که  
مترقی ترین و یکپارچه ترین نظریات سیاسی و اقتصادی  
بوپژه قشرهای وسیع متوسط جامعه را منعکس میکند و دارای جنبه  
ضد امپریالیستی و ضد فئودالی و ضد سرمایه داری آشکار  
است. ایبت پمک رهبری امام خمینی، که یک مرجع عالی  
روحانی و یک فقیه عالمقدر است، این دیمکراسی انقلابی  
در چیره یک اسلام انقلابی بروز کرده است. تمام آنچه که  
برخی چپهای مارا گیب میکنند، ظاهراً همین قشر با اصطلاح  
آنها قشری یک محتوی مترقی و انقلابی است. بهمین جهت ما  
به این دوستان میگوئیم: باید در دروازه پوسته، در آنسوی

## در مجمع عمومی کارکنان شهرک اکباتان

ماه گذشته مجمع عمومی کارکنان شهرک اکباتان در استادوم  
راه آهن، واقع در شهرک اکباتان، با حضور قریب دوهزار نفر  
از کارگران و کارمندان شهرک تشکیل شد.

پس از تشکیل شورای شهرک اکباتان، مجمع عمومی کارکنان  
تا مدتی هر هفته یا هر ۱۵ روز یکبار تشکیل می شد، که بعداً تا  
چندماه فعالیت آن متوقف شد.

در جلسه اخیر مجمع عمومی، ایدا سخن گوی شورای شهرک  
و عضو شورای هماهنگی پیرامون مشکلات موجود در کار شهرک و  
شورا سخن گفت. وی ضمن تصدیق اشتباهات شورا و قابل انتقاد  
بودن آن تاکید کرد که نارساییهای موجود یک واقعیت است و بخشی  
از آن با تغییر اعضاء شورا بر طرف می شود ولی شورا نمیتواند یک  
اصل مترقی بساید پیاده شود و همه بایند در حفظ و گسترش آن  
کوشش کنند.

حاضرین در جلسه مجمع عمومی طی سخنانی تشکیل نشدن  
مجمع عمومی، برگزاری جلسات نمایندگانی در وقت درهای بسته و  
ارتباط نداشتن شورا با کارگران را مؤرد انتقاد قرار دادند و  
خواست های صغنی خود را مطرح نمودند.

از جمله خواست های صغنی تهیه مسکن مناسب برای کارگران  
و حل مشکلات پیشمار زندگی آنان و تهیه دفترچه بیمه درمانی بود.  
کارگران هنگام اشاره سخنرانان مشکلات و خواست های ایشان  
با فریاد «صحیح است» موارد ذکر شده را یکصد مورد تأیید قرار  
دادند و قاطعیت و بیگیری شورا را در بر طرف کردن نارساییها  
خواهستار شدند.

## در اتحاد شوروی از هزار نفر، ۶۶ نفر دارای تحصیلات متوسطه و عالی هستند

طبق اطلاعیه اداره مرکزی آمار اتحاد شوروی، که در  
پایان هر سال منتشر میشود، جمعیت اتحاد شوروی طی سال اخیر  
۲۱ میلیون افزایش یافته است. از هر هزار نفر اهالی کشور ۷۶۶  
نفر دیپلمه، لیسانس و مافوق لیسانس هستند. شمار زنانیکه  
دارای تحصیلات متوسطه و عالی هستند، با مردان برابر است. در  
دیرستانهای کشور متجاوز از ۵ میلیون و دویست و شصت و هشتاد  
میتجاوز از ۷ میلیون نفر تحصیل میکنند. تمام افراد جامعه از لحاظ  
کار تأمین و بر حسب تخصص شافل هستند. در هر سال در اتحاد شوروی  
دو میلیون محل کار جدید ایجاد میشود. متجاوز از پنجاه سال است  
که در اتحاد شوروی پدیده بیکاری اصولاً وجود ندارد.

## از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

حزب توده ایران  
از  
خط امام



پشتیبانی  
می کند

برای شهیدان حزب و جنبش  
«مردم» در نظر دارد عسکهای  
تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت  
نتکین و متفروختانان پهلوی در  
راه آرمانهای ملی و میهنی و آسانی  
خود بشهادت رسیده اند، جمع آوری  
کند.

## «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران» به ندای امام خمینی مبنی بویسیج عمومی برای مبارزه با پیسوادی پاسخ مثبت می دهد

در آینه نزدیک هر کس  
نوشتن و خواندن ایبتداین را  
آموخته باشد، برای این  
امر لازم است تمام پیسوادان  
برای یادگیری و تمام  
خواهران و برادران باسواد  
برای یاد دادن بپایند و  
وزارت آموزش و پرورش  
با تمام امکانات بپایند و  
قرطاس باین و نشریات اداری  
بهر همزد.

سازمان جوانان و دانشجویان  
دمکرات ایران، بپناهی یکی از  
بیکبرترین گسردانهای جنبش  
انقلابی ایران به پیام امام پاسخ  
مثبت می دهد و آمادگی کامل خویش  
را برای شرکت هر چه قائلتر در  
این «قیام» همگانی برای ریشه کن  
ساختن پیسواد می داند.  
سازمان ما حاضر است که کلیه  
امکانات انسانی خویش را در این  
زمینه بکار اندازد. ما از وزارت  
آموزش و پرورش جمهوری اسلامی  
ایران می طلبیم که بر مبنای فرمان  
امام هر چه سریعتر برای انجام  
این مبارزه عظیم انقلابی از همه  
امکانات موجود بهره بگیرد.  
باشد که در این تو مبارزه بیکبر  
و خستگی ناپذیر همه نیروهای  
راستین انقلابی، امپریالیسم و  
میراثشوم آن بیکبار و بی همیشه  
از عرصه کشورمان ریشه کن شود.  
سازمان جوانان  
و دانشجویان دمکرات ایران  
۱۳۵۸/۱۰/۹

## مسئله ای نیست!

سوال و جوابی تخیلی با  
برزیسکی مشاور «امینی» رئیس  
جمهور کاتری، به نقل از روزنامه  
«وارهایت»، ارگان حزب  
سوسیالیست متحده برلن غربی -  
شماره اول دسامبر ۱۹۷۹  
نویس - آیا بخود جرات میدید  
بر رئیس جمهور توصیه کنید که ای  
را فشار بدهد و میلیونها نفر را  
ناوود کند؟  
ج - البته. بسدون هیچ  
تردیدی.  
نویس - در این صورت وجدانتان  
راحت خواهد بود؟  
ج - اینکه مسئله ای نیست.  
اگر داشتیم که جای من اینجا نبود!

فرزاد  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
خیابان آذرشماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۲۸

MARDOM  
No. 132  
1 January 1980  
Price:  
West - Germany  
0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 sch.  
England 20 p.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.